




## Political Freedom in the Quranic Thought of Ayatollah Khamenei

Hossein Ajourloo

Level 3 Seminary / Master's Degree in Political Jurisprudence, Shahid Beheshti University.

h.ajorloo@alumni.sbu.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

### **Abstract**

Political freedom, as one of the most significant issues in the realm of political philosophy, holds various importance and functions. Re-examining its nature, pillars, dimensions, and limits, with reference to robust Quranic evidence, plays a crucial role in the application of this concept in the domain of religious governance. The frequent use of this term and related concepts in the thought of Ayatollah Khamenei reflects his extensive efforts to reinforce this concept as a divine legislation and a vital component in the field of societal management. This research, conducted through thematic analysis, seeks to elucidate the nature of political freedom, its Quranic foundations, and its manifestations from his perspective. The study reveals that monotheism (tawhid), free will, and human dignity are the foundational principles of political freedom in the Quran. Furthermore, this concept is manifested in the domains of freedom of expression and belief, the right to choose, as well as oversight and participation in decision-making processes.

**Keywords:** Freedom, Political Freedom, Ayatollah Khamenei, Quran, Monotheism (Tawhid), Thematic Analysis.






مقاله پژوهشی

## آزادی سیاسی در اندیشه‌های قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای

حسین آجورلو

سطح ۳ حوزه علمیه / کارشناسی ارشد فقه سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

h.ajorloo@alumni.sbu.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

**چکیده:**

آزادی سیاسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل در حوزه فلسفه سیاسی دارای اهمیت و کارکردهای گوناگونی است که بازتشریح ماهیت، ارکان، ابعاد و حدود آن با عنایت به ادله وثیق قرآنی نقش مؤثری در کاربست این مقوله در عرصه حکمرانی دینی خواهد داشت. بسامد بالای مشابه این اصطلاح واژگانی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای نشان‌دهنده کوشش وافر وی در تشدید این مقوله به‌عنوان تشریحی الهی و مؤلفه‌ای مهم در عرصه مدیریت اجتماعی است. در این پژوهش که با روش تحلیل مضمون انجام گرفته، تلاش شده است تا ضمن بیان ماهیت آزادی سیاسی، به مبانی قرآنی آن، عرصه‌های بروز و ظهور آن از منظر ایشان پرداخته شود. در این پژوهش خواهیم یافت که توحید، اختیار و کرامت انسانی از مبانی آزادی سیاسی در قرآن به شمار می‌رود. همچنین این مفهوم در ساحت آزادی بیان و عقیده، حق انتخاب و نظارت و مشارکت در تصمیم‌گیری منعکس می‌شود.

**واژگان اصلی:** آزادی، آزادی سیاسی، آیت‌الله خامنه‌ای، قرآن، توحید، تحلیل مضمون.

دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی  CC BY 4.0

Doi: 10.22034/irsj.2025.494019.1087

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

## مقدمه

قرآن کریم به‌عنوان منبع اصیل شریعت اسلامی دربردارنده مهم‌ترین عناصر قوام‌بخش و هدایتگر حیات بشری در همه ازمه و امکان بوده و پاسخگوی اساسی‌ترین نیازهای جوامع انسانی است. مسئله آزادی نیز در سده‌های اخیر به‌عنوان مفهومی نوپیدا در ارتکازات سیاسی توده‌ها و اندیشمندان از بسامد بالایی برخوردار است. آیت‌الله خامنه‌ای نیز به‌عنوان یک اندیشمند دینی و همچنین یک کنشگر سیاسی اجتماعی در ادوار اخیر پرداخت مناسبی نسبت به این بحث داشته است. افکار ایشان در این زمینه بیشتر در سلسله مباحث مربوط به آزادی در خطبه‌های نماز جمعه، دیدارها و جلسات دانشجویی و نخبگانی، سلسله نشست‌های اندیشه‌های راهبردی و همچنین در کتب و بیانیه‌های ایشان منعکس است. آنچه در تحلیل‌های وی در رابطه با مقوله آزادی چشم‌گیر است، رویکردها و تأکیدات قرآنی ایشان در این خصوص است. آیت‌الله خامنه‌ای مبانی، ریشه‌ها، حدود و ضوابط و نمودهای آزادی را در کتاب و سنت متجلی می‌بینند؛ لذا در مواضع گوناگون است‌شهادت قرآنی فراوانی در تبیین مسئله آزادی ارائه می‌دهند. از این جهت در این نوشتار تلاش شده است تا علاوه بر پردازش مفهوم آزادی سیاسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین انگاره‌های فلسفه سیاسی و جست‌وجوی مبانی و مصادیق و ضوابط آن در قرآن کریم، رهیافت‌هایی به اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای صورت پذیرد.

این مقاله با روش تحلیل مضمون و با استناد به منابع کتابخانه‌ای در پنج بخش اصلی تنظیم شده است. در بخش اول، پیشینه‌ای کوتاه از فعالیت‌های علمی پیرامون این مسئله و کاستی‌های آن‌ها بیان شده است. در بخش دوم، مفاهیم اصلی مندرج در مقاله به بحث و بررسی گذاشته شده است و در بخش‌های بعدی نیز به ترتیب مبانی و اصول آزادی سیاسی، نمودهای آزادی سیاسی در قرآن و در نهایت حدود و مرزهای آزادی سیاسی مورد اشاره و تبیین قرار گرفته است.

لازم به ذکر است که آنچه از آیات قرآن کریم در این نوشتار منعکس شده است، تصریحات و اشارات قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با مقوله آزادی سیاسی است. لذا تمام بیانات و نکات و محتواهای مطرح شده توسط ایشان به جهت خروج موضوعی در این مقاله بیان نشده است.

## ۱. پیشینه موضوع

کتاب «تنبیه الامه و تنزیه المله» اثر ارزشمند مرحوم میرزای نائینی یکی از قدیمی‌ترین آثار در حوزه فقه سیاسی و خصوصاً تحلیل مباحثی همچون عدالت و آزادی است. ایشان در این رساله بر لزوم کشف و تبیین ابعاد گوناگون مسئله آزادی و ضرورت اجتناب از مغالطه در کاربست این مفهوم در عرصه‌های اجتماعی تأکید فراوان دارد (نائینی، ۱۳۸۷: ۹۶). از آثار متأخرین در سال‌های اخیر که نسبت به مقوله آزادی سیاسی مباحثی را ارائه نمودند، می‌توان به کتاب سیاست و حکومت در قرآن اشاره نمود؛ در این کتاب مسئله آزادی سیاسی در قرآن در ذیل یک فصل مورد تبیین قرار گرفته است (قاضی زاده، ۱۳۸۹: ۴۳۰). همچنین کتاب آزادی در فقه و حدود آن نیز مبانی فقهی آزادی‌های سیاسی را از منظر کتاب و سنت مورد بررسی قرار داده است (قدردان فراملکی، ۱۳۸۲: ۲۰). همچنین مقاله آزادی سیاسی در قرآن اثر دکتر منصور میراحمدی (آزادی سیاسی در قرآن کریم، ۱۳۹۱/۰۸/۲۴) و کتاب آزادی سیاسی از منظر قرآن کریم به قلم دکتر سید کاظم سیدباقری (سیدباقری، ۱۳۹۹: ۳۹) نیز این مسئله را از زاویه نگرش قرآنی مورد کندوکاو قرار داده است؛ لکن در هیچ یک از آثار مطرح شده رویکردهای قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای منعکس نشده است. نوآوری این نوشتار در آن است که مسئله آزادی سیاسی را در قرآن کریم از نقطه نظر آیت‌الله خامنه‌ای مورد بررسی و تحلیل قرار دهد؛ بدین معنا که استظهارات و استنباطات قرآنی ایشان در حیطه مسئله آزادی سیاسی و مصادیق و نمودهای آن منعکس شود.

## ۲. مبانی نظری

### ۱-۲. مفهوم آزادی

مفهوم «آزادی» در لغت به معنای قدرت انتخاب، رهایی، خلاص، قدرت عمل، ضد بندگی و اسارت بیان شده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ج. ۱: ۷۷). در اصطلاح نیز اندیشمندان گوناگونی متعرض تعریف و تبیین این مفهوم شده‌اند. بیان تعریفی جامع و مانع و به صورت حد و رسم برای مفهوم «آزادی»، اندکی دشوار به نظر می‌رسد؛ از این رو در بین اندیشمندان گوناگون در ادوار مختلف تلاش شده است تا از دیدگاه مسائلی مانند منشأ، مبانی، موانع، اقسام و همچنین

نسبت سنجی مفهوم «آزادی» با مفاهیمی همچون عدالت، مسئولیت و قانون به شرح و بررسی این مفهوم پردازند. در بین اندیشمندان غربی تعاریف گوناگونی نسبت به مفهوم آزادی صورت پذیرفته است که به نظر می‌رسد هر یک از زاویه‌ای نسبت به این مفهوم نگریسته‌اند؛ لذا فقدان جامعیت و دقت لازم در آن‌ها مشاهده می‌شود. به گفته آیزایا برلین بیش از دوست معنا برای مفهوم آزادی ذکر شده است (Berlin, 1969: 121). وی به‌عنوان یکی از متفکرین آزادی، با تأکید بر وجه سلبی و منفی این مفهوم، فقدان موانع در راه تحقق آرزوهای انسان را معنای شایع آزادی تلقی می‌کند (برلین، ۱۳۸۰: ۴۶). جان استوارت میل مفهوم آزادی را توانایی انسان در تشخیص مصالح خود و اقدام متناسب با آن می‌داند (میل، ۱۳۶۳: ۵۲). توماس هابز نیز آزادی در مفهوم درست آن را به معنای فقدان مخالفت و موانع بیرونی می‌داند و معتقد است انسان آزاد کسی است که در اموری که می‌تواند با تکیه بر قوت و دانش خود عملی انجام دهد، بدون آنکه مواجه با مانعی باشد، آنچه را که می‌خواهد انجام دهد (هابز، ۱۳۸۹: ۲۱۸). کانت نیز آزادی را عبارت از استقلال و رهایی از هر چیز به‌جز قانون اخلاقی می‌داند (کرنستون، ۱۳۸۶: ۱۴). اندرو هیوود نیز معتقد است اصطلاح آزادی در گسترده‌ترین معنای خود توانایی اندیشیدن یا عمل کردن به شیوه دلخواه است (هیوود، ۱۴۰۰: ۴۲۷).

در بین اندیشمندان مسلمان نیز مسئله آزادی به‌خوبی مورد تبیین و بررسی قرار گرفته است. برای نمونه شهید مطهری آزادی را به دو قسم اجتماعی و معنوی تقسیم می‌نماید. از نظر ایشان آزادی اجتماعی عبارت است از فقدان موانع گوناگون در جهت رشد و تکامل انسان در جامعه؛ طوری که کسی مانع از فعالیت‌های فکری و جسمی وی نشود. آزادی معنوی را هم به رهایی و آزادی از صفات حیوانی و پست معنا می‌کنند (مطهری، ۱۴۰۰: ۱۴). شهید بهشتی نیز آزادی را تسلط انسان بر ساختن خویش و ساختن محیط خویش می‌داند (بهشتی، ۱۳۸۱: ۱۵۸). در اندیشه شهید بهشتی آزادی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شعارهای اسلام مطرح است. ایشان مقوله آزادی را فی‌نفسه هدف نمی‌پندارند بلکه وسیله‌ای جهت رسیدن به آرمان‌های والای بشری تلقی می‌نمایند و معتقدند در ایدئولوژی اسلامی تأکید بسیار زیادی بر مقوله آزادی صورت گرفته است (بهشتی، ۱۳۸۱: ۱۸). علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان بحث مبسوطی در رابطه با آزاد و مختار بودن انسان مطرح می‌کنند و معتقدند انسان مختار و آزاد خلق شده است؛ لذا بدین جهت هم دارای آزادی تکوینی است و هم آزادی

تشریحی؛ بدین معنا که حسب طبیعت خود می‌تواند راه فعل و ترک را در همه امور انتخاب نماید (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج. ۱۰: ۵۵۴).

علامه مصباح یزدی نیز معتقد است از دیدگاه اسلامی، اصل بر این است که انسان‌ها در زندگی خود آزاد باشند، رفتار و عملکردهای فردی، حتی تحصیل و استیفای مصالح عمومی افراد، باید به شکل آزادانه و داوطلبانه صورت پذیرد. فقط در صورتی که اقدامات داوطلبانه کافی نباشد، دولت باید مداخله کند و الزاماً از مردم بخواهد که وظیفه خود را انجام دهند. این همه بدین دلیل است که انسان برای تکامل آفریده شده و باید در مدت عمر خویش استکمال بیابد. استکمال انسانی هم جز با افعال اختیاری و خودخواسته ممکن نیست؛ بنابراین، اصل در حرکت انسان این است که اختیاری و آزادانه باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

اما به نظر می‌رسد رویکرد آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به این مقوله از جامعیت کامل‌تری برخوردار باشد و ابعاد و زوایای گوناگونی از این مسئله را مورد تبیین، تحلیل و بررسی قرار داده باشند. ایشان مفهوم آزادی را امری ریشه‌دار در فطرت بشری قلمداد می‌کنند و معتقدند از این مفهوم کاملاً در منابع دینی به‌کرات سخن به میان آمده است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۵/۰۹/۱۴). ایشان آزادی را به‌مثابه حقی برای انسان قلمداد می‌کنند که هم بعد قرآنی دارد و هم بعد حقوقی. در قرآن کریم خلقت انسان و جهان و تشریح الهی بر اساس حق بیان شده است؛ طبعاً یکی از تشریحات الهی مسئله اراده و آزادی انسان است؛ لذا مقوله آزادی حقی برای انسان محسوب خواهد شد. همچنین آزادی در اصطلاح حقوقی نیز آن چیزی است که به انسان توانایی مطالبه کردن و روحیه مطالبه‌گری را ارزانی می‌دارد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۰۸/۲۴).

ایشان در مقاطع گوناگون ضمن استناد به آیات و روایات مختلف، ابتناء این مفهوم بر اندیشه‌های راقی اسلام را اثبات نموده‌اند. از نظر ایشان پیشرفت و شکوفایی استعدادها و همچنین ارتقای اندیشه‌ها مرهون وجود آزادی است. مفهوم آزادی با سایر مفاهیم دینی همچون عدالت، استقلال، تکلیف‌گرایی، امنیت قابل سنجش و تحلیل بوده و کشف ارتباط میان آن‌ها ضروری است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹).

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در فرمایشات ایشان در رابطه با مقوله آزادی وجود دارد، تبیین تفاوت‌های بنیادین آزادی در اسلام و آزادی در غرب است. از نظر ایشان یکی از مهم‌ترین

تفاوت‌ها ابتداء آزادی در اسلام بر اندیشه توحیدی و در غرب بر اندیشه اومانیستی است. اساساً از حیث اندیشه تمدنی غرب، مهم‌ترین نقطه کانونی در تبیین مفهوم «آزادی»، رویکرد اومانیستی و بالتبع روحیه اباحه‌گری و لیبرالی است. این نکته مهم در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تحلیل تفاوت‌های بنیادین آزادی در اندیشه غرب و اسلام صراحتاً مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین نوع نگرش به آزادی در اسلام صرفاً اختصاصی به محدودیت‌های خارجی و بیرونی همچون زور و ستم زورگویان و ظالمان ندارد بلکه رهایی و آزادی از رذایل و صفات پلید انسانی را هم شامل می‌شود. در رابطه با این مطلب، بحث آزادی معنوی مطرح می‌شود که به معنای رهایی انسان از قید اسارت نفس و حرکت به سمت رستگاری و تعالی اخلاقی و عروج معنوی است. علاوه بر این، تفاوت دیگری نیز در رابطه با آزادی اسلام و آزادی غربی در اندیشه ایشان مطرح است و آن کیفیت و کمیت قوانین تحدیدکننده آزادی در جامعه است. در اندیشه لیبرال غربی قوانینی که ناظر به اعمال محدودیت برای مقوله آزادی هستند، صرفاً ناظر به عرصه اجتماعی است؛ هر فردی آزاد است مادامی که آزادی وی سبب ایجاد تهدید و زحمت و آسیب برای آزادی دیگران و سایر افراد و عناصر جامعه نباشد. لکن در تشریح اسلامی علاوه بر وجود قوانین راقی در این خصوص در برخی موارد محدودیت‌هایی در عرصه فردی نیز اعمال شده است. برای نمونه یک فرد علاوه بر آنکه حق ندارد آزادی دیگران را مورد خدشه قرار دهد و تهدیدی برای آزادی اجتماعی در بستر جامعه باشد، همچنین حق ندارد منافع شخصی خودش را نیز به خطر انداخته و به خود ضرر و آسیب برساند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۵/۱۰/۰۵).

مصادیق متعددی برای آزادی در بیانات و اندیشه‌های ایشان منعکس شده است. مواردی همچون آزادی تفکر و عقیده، آزادی بیان، آزادی اجتماعی، آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی، آزادی زنان، آزادی از یوغ استعمار و استکبار، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۲/۰۴). از نظر ایشان اصل تفکر و اندیشیدن در اسلام نه تنها آزاد بلکه لازم و ضروری است و افراد متعددی با عقاید مذهبی گوناگون در جوامع اسلام در کمال آزادی زندگی می‌کنند. همچنین اسلام و به تبع آن جمهوری اسلامی ایران اول طرفدار و منادی آزادی بیان در عرصه اجتماعی بوده و رشد و پیشرفت افکار و اندیشه‌ها را در ایجاد فضای آزاداندیشی و تضارب آرا و افکار می‌داند؛ لکن با این همه سوءاستفاده از آزادی بیان و دغل

کاری و فریب‌کاری و ایجاد فضای تهدید اجتماعی و اخلاقی و روانی برای افراد جامعه نه تنها در اسلام و قوانین جمهوری اسلامی بلکه در همه‌ی جوامع انسانی امری مذموم، خلاف و ممنوع پنداشته می‌شود. مواردی همچون ایجاد فضای تشنج اجتماعی و عمومی، نشر اخبار کذب، افشای اسرار مملکتی از این دست می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۲/۰۴).

مسئله آزادی سیاسی نیز در اندیشه ایشان از بسامد بالایی برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران عمیقاً به آزادی سیاسی مردم اعتقاد داشته و رأی و نظر مردم در انتخاب حاکمان از اهمیت و جایگاه بسیار بالایی برخوردار است. نگاهی مختصر به آمار بالای انتخابات در ایران و کیفیت و کمیت مشارکت مردم در انتخابات و انعکاس مستقیم یا غیرمستقیم نظر آنان در فرایند انتخاب مسئولین سطوح گوناگون شاهدهی بر این مدعا است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۳/۲۲). همچنین اشاره به مسائلی همچون حدود و ثغور آزادی و آسیب‌شناسی آن نیز در کلمات وی از جایگاه قابل توجهی برخوردار است. از نظر ایشان آزادی در یک جامعه دارای آداب و الزاماتی است که پایبندی به آن‌ها برای بهره‌مندی از ثمرات و فواید این مقوله مهم بسیار ضروری است و هرگونه سوءاستفاده از آزادی منجر به ایراد صدمات و لطماتی به سایر اعضای جامعه خواهد شد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۲/۱۸).

## ۲-۲. مفهوم آزادی سیاسی

مفهوم آزادی سیاسی نیز تعاریف گوناگونی را متوجه خود نموده است. برخی آن را به‌مثابه مجموعه امتیازاتی تلقی می‌کنند که مردم یک کشور برای مشارکت در حیات سیاسی جامعه به آن نیاز دارند (هاشمی، ۱۳۸۷، ج. ۱: ۱۶۹). برخی دیگر آن را به معنای فقدان فشارهای سیاسی از جانب حکومت تفسیر نموده‌اند (آقابخشی، ۱۳۷۵: ۷۵). برخی دیگر نیز با عنایت به برخی مصادیق، توانایی انسان در انتخاب زمامداران و مقامات سیاسی کشور خود و همچنین امکان حضور در مجامع گوناگون و بیان افکار و عقاید سیاسی خود را به‌مثابه آزادی سیاسی پنداشته‌اند (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۸: ۹۶). در هر صورت آنچه مسلم است حق حضور و نمود فعالیت‌های مردمی در عرصه سیاسی را می‌توان به‌عنوان مفهوم آزادی سیاسی بیان داشت. طبعاً قرابت مفهوم آزادی سیاسی با برخی مفاهیم حقوقی همچون آزادی‌های مدنی و

یا حقوق سیاسی مردم در عرصه اجتماعی مستبعد نیست چرا که در طول تاریخ نیز هیچ وقت مفهوم آزادی از فعالیت‌های سیاسی فارغ نبوده است.

نکته قابل ملاحظه آن است که معانی جدید از آزادی سیاسی که در ادوار اخیر رایج گشته است به صراحت در قرآن کریم یافت نمی‌شود؛ لکن این بدان معنا نیست که ریشه‌ها، مبانی، ضوابط، قواعد و نمودهای آن در محتوای این کتاب شریف یافت نشود. قرآن کریم اصل آزادی سیاسی را به‌عنوان یکی از احتیاجات طبیعی بشر مورد پذیرش قرار داده است؛ علاوه بر این می‌توان ادعا نمود که امکان اصطیاد مبانی و برخی مؤلفه‌های آن نیز از این کتاب شریف قابل استنباط و استظهار است. مضافاً اینکه سنت اصیل اسلامی نیز در این خصوص دارای محتوای غنی و قابل استفاده‌ای است که تکیه بر آن برای پژوهشگران بسیار مفید خواهد بود.

آیت‌الله خامنه‌ای ماهیت آزادی سیاسی را در نقش‌آفرینی آحاد امت اسلامی در حدوث و بقاء نظام و ساختار سیاسی حکومت می‌دانند. همچنین نفی انحصار قشر یا نژاد خاصی در فرایند تحقق و استمرار حکومت سیاسی لازمه طبیعی معنای مورد نظر از آزادی سیاسی است. «آزادی سیاسی به‌طور خلاصه یعنی اینکه افراد جامعه‌ی اسلامی در تکوین و همچنین در هدایت نظام سیاسی جامعه دارای نقش و اثر باشند؛ این‌طور نباشد که یک قشری یا یک جمعی یا وابستگان به یک نژادی در جامعه حق و توانایی تصرف در امور اداره کشور را داشته باشند و دیگران نه. آزادی سیاسی یعنی اینکه همه مردم با قطع نظر از وابستگی‌های قومی و زبانی و نژادی و دینی در یک جامعه بتوانند نظام سیاسی جامعه را به وجود بیاورند و در آن مؤثر باشند و بتوانند آن نظام را به سمت مطلوب خودشان هدایت کنند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۳/۲۲).

### روش پژوهش

در این پژوهش با هدف دستیابی به نظام اندیشه‌ای آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع آزادی سیاسی از روش تحلیل مضمون با تأکید بر کاربست اسلوب شبکه مضامین استفاده شده است. در این روش پس از مطالعه و جست‌وجو در آثار اندیشمند مورد نظر پایین‌ترین سطح گزاره‌های موضوع به‌عنوان مضامین پایه استخراج می‌شود. در وهله بعد دسته‌بندی و تلخیص گزاره‌های

سابق اقتضا دارد تا موضوعات کلی‌تری از دل آن به‌عنوان مضامین سازمان‌دهنده انتزاع شود. در انتها نیز در یک دسته‌بندی کلان و کلی همه گزاره‌ها و قضایا در ذیل مفاهیمی به‌عنوان مضامین فراگیر قرار می‌گیرد.

با جست‌وجو در مجموعه بیانات و مکتوبات و آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از سال ۱۳۵۳ تا ۱۴۰۲ بیش از یکصد فیش در رابطه با موضوع مورد نظر استحصال شد. جمع‌آوری این مجموعه با استفاده از نرم‌افزار حدیث ولایت و همچنین سایت [khamenei.ir](http://khamenei.ir) صورت پذیرفت. پس از بررسی‌های دقیق سه مضمون فراگیر با عناوین «مبانی آزادی سیاسی»، «مصادیق آزادی سیاسی»، «مرزهای آزادی سیاسی» یافت شد. بخشی از مضامین پایه‌ای، سازمان‌دهنده و فراگیر مستفاد از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای پس از جمع‌آوری فیش‌های متعدد از بیانات و مکتوبات ایشان در رابطه با آزادی سیاسی و مطالعه دسته‌بندی و سازماندهی آن‌ها، در جدول ذیل قابل مشاهده است.

جدول ۱: مضامین بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در مقوله آزادی سیاسی در قرآن

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
فلا تخشوا الناس و اخشون / فلا تخافوهم و خافون ان کنتم مؤمنین / و تخشی الناس و الله احق ان تخشاه	مانعیت درونی برخی عوامل همچون ترس برای آزادی‌های اجتماعی سیاسی در محیط جامعه	نمود آزادی معنوی در آزادی اجتماعی سیاسی
ما خلقناهما الا بالحق / خلق الله السماوات و الارض بالحق / نزل الكتاب بالحق / ارسلناک بالحق بشیرا و نذیرا / لقد جائت رسل ربنا بالحق	حق به معنای خلقت نظام تکوین به‌صورت دستگاه نظام‌مند و هدفدار / ابتناء نظام تشریح بر حق / انطباق نظام تکوین و تشریح / اراده انسان؛ یکی از مواد تشریح الهی / آزادی حق است در مقابل باطل.	آزادی از منظر حق، به‌اصطلاح قرآنی
وَمَا لَكُمْ لَأ تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ	مکلف بودن انسان به آزادی خود و همچنین تلاش برای آزادی دیگران و رفع استضعاف از سایر انسان‌ها	آزادی از منظر تکلیف

<p>آزادی؛ امری مستفاد از متون دینی</p>	<p>رهایی و آزادی بشر از غل و زنجیرهای جهالت، نفسانیت و ظلم طواغیت عالم از مهم‌ترین اهداف ارسال انبیا</p>	<p>«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ».</p>
<p>مسئله بردگی و آزادی</p>	<p>خطاب حضرت موسی به فرعون در نفی بردگی بنی اسرائیل</p>	<p>وَ تِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ</p>
<p>توحید؛ مبنای آزادی سیاسی</p>	<p>توحید؛ منشأ و ریشه آزادی در اسلام/ تفاوت بین مفهوم آزادی از نظر اسلام و مفهوم آزادی از نظر مکاتب غربی</p>	<p>وَ إِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ/ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ</p>
<p>مصلحت‌های آزادی عقیده و بیان</p>	<p>اختیار انسان در گزینش قول صواب بعد از آگاهی از همه آراء و نظرات</p>	<p>فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ</p>
<p>مصادیق آزادی سیاسی</p>	<p>مسئله انتخاب</p>	<p>نظر شریعت اسلامی را بر اعتبار رأی و نظر مردم در انتخاب حاکمان و فعلیت یافتن زمامداری و حکومت با بیعت مردم، تلقی بیعت به‌عنوان پایه اعمال مشروعیت حکومت</p>
<p>مشارکت در تصمیم‌گیری</p>	<p>لزوم شرکت توده‌های مردم در مسائل حکمرانی در سطوح مختلف جامعه و تلقی مصیبت بار بودن فقدان مشارکت مردم و</p>	<p></p>

		پشت کردن آن‌ها به صندوق‌های رأی	
مرزهای آزادی سیاسی	ممنوعیت مسئله اضلال در آزادی‌های سیاسی	ممنوعیت جریان‌سازی‌های گوناگون و تبلیغ و نشر افکار الحادی و ضد دینی و اظهارات اغواگرانه در سطح جامعه به بهانه آزادی سیاسی	فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ / وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لِهَوِّ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ
	ممنوعیت ایجاد تشنج عمومی در سطح جامعه جامعه	انتشار نظرات و مواضع سیاسی فتنه‌انگیزانه و ایجاد اضطراب و التهاب در توده مردم امری منتهی‌عنه در قرآن کریم	وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ وَ لَوْ رَدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ
	ممنوعیت افشای اسرار مملکتی	افشای اخبار مثبت یا منفی از جبهه‌های جنگ یا حوادث امنیتی بدون مصلحت‌سنجی‌های لازم؛ سبب ایجاد مفاسد و آفاتی در جامعه	وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ وَ لَوْ رَدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ
	ممنوعیت شایعه پراکنی در سطح جامعه	نشر اخبار غیر متقن خوب یا منفی بدون ملاحظه جوانب و آثار آن، از خصوصیات منفی در قرآن	إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم ...
	مورد وجوب اظهار عقیده و نظر	حرمت کتمان اندیشه و حقایق وجوب تبیین معارف دینی برای مردم، مورد وجوب اظهار عقیده و نظر	لَتَبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ وَ لَا تَكْتُمُونَهُ

## ۳. یافته‌های پژوهش

## ۳-۱. مبانی آزادی سیاسی در قرآن

## ۳-۱-۱. توحید

توحید به‌عنوان روح کلی حاکم بر نظام فکری اسلامی، اساسی‌ترین مبنا برای مقوله آزادی سیاسی در شریعت اسلامی محسوب می‌شود. مسئله توحید را نمی‌توان صرفاً در گزاره وجود خدا محدود دانست؛ بلکه این مفهوم به‌عنوان یک جهان‌بینی سبب شکل‌گیری نگرشی خاص به هستی و انسان شده و فراتر از یک مفهوم ذهنی، علاوه بر بینش، در رفتار و کنش‌های یک مسلمان نیز اثرگذار خواهد بود. توحید با همه ساحت‌های آن اعم از توحید در صفات و افعال و عبادت در مقوله آزادی سیاسی منعکس است. مفهوم توحید بدان معنا است که ربوبیت تشریحی و تکوینی عالم هستی صرفاً در اختیار ذات مقدس الهی است و هیچ کس به‌صورت استقلالی حق تشریح، قانون‌گذاری و سرپرستی ولایت بر احدی دیگر را ندارد؛ لذا بر انسان موحد لازم است خود را از جمیع قیود غیر الهی و از هر ولایت غیر از خداوند رهایی بخشیده و به ذیل ولایت الهی تمسک نماید. آیات متعدد قرآن کریم مبنی بر نفی یا نهی از پرستش معبودانی غیر از خداوند (صافات: ۹۵ و ۹۶؛ اعراف: ۱۹۲) همه با توجه به این مهم بیان شده است. همچنین مسئله بسیار مهم رفض طواغیت عالم و نهی مؤکد از سرسپردگی به آن‌ها نیز از همین مقوله است. در قرآن کریم پیروی از طاغوت و نظام‌های طاغوتی به‌شدت نکوهش شده است؛ لذا در منابع دینی موارد متعددی یافت می‌شود که صراحتاً اطاعت از طاغوت را امری مرفوض تلقی نموده و در مواردی معادل کفر پنداشته است. برای نمونه به دو آیه در این خصوص اشاره می‌کنیم.

❖ «يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ...» (نساء: ۶۰)

در این آیه شریفه مومنانی را که در امور حقوقی و قضایی خود، طاغوت را ملجئ و مرجعی برای رفع خصومت قرار می‌دهند، مورد سرزنش قرار داده و صراحتاً از منهی عنه بودن رجوع به او سخن می‌گوید. همچنین در پایان نیز ثمره این کار خطا را گمراهی و ضلالتی می‌داند که شیطان رجیم در صدد آن است. تمام سخن در آزادی از حکومت ولایت طاغوت است.

❖ «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶)

در این آیه شریفه خداوند متعال، هدف عالی بعثت انبیای عظام را توحید خالص و رفض کلیه وجوه طاغوتی و آزادی و رهایی بشر از قیود آن‌ها در همه عرصه‌های حیات اجتماعی می‌داند. بدون شک توحید خالص این نیست که در وجهه نظری قائل به وحدانیت شویم بلکه بایست در بُعد عملی و ثمره خارجی نیز این توحید تحقق یابد. یکی از جلوه‌های اساسی تحقق توحید در عرصه اجتماعی همانا آزادی از طاغوت و تمسک به ذیل حاکمیت الهی است. هیچ گروه و شخصی حق استعمار و به بندکشیدن دیگران را نداشته و نمی‌تواند خواست‌ها، تمایلات شخصی و نفسانی، سنت‌ها، آداب و رسوم خویش را به دیگران تحمیل نماید. بدین صورت است که توحید انسان‌ها را از هرگونه اسارت و بردگی اغیار رهایی می‌بخشد و این پیام را آشکارا ابلاغ می‌نماید که احدی ولایت استقلالی بر دیگری نخواهد داشت.

مسئله توحید به‌عنوان مبنای اساسی برای مقوله آزادی در قرآن به‌صورت تفصیلی مورد تأکید آیت‌الله خامنه‌ای قرار گرفته است. ایشان با عنایت به جهان‌بینی توحیدی و ابعاد گسترده آن اصل توحید سبب تضمین آزادی انسان می‌دانند.

«ریشه‌ی آزادی در فرهنگ اسلامی، جهان‌بینی توحیدی است. اصل توحید با اعماق معانی ظریف و دقیقی که دارد، آزاد بودن انسان را تضمین می‌کند؛ یعنی هرکسی که معتقد به وحدانیت خدا است و توحید را قبول دارد، باید انسان را آزاد بگذارد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹).

ایشان مسئله توحید و ارتباط آن با مقوله آزادی را در دعوت‌های مکرر انبیا نسبت به لزوم اطاعت از خداوند و رهایی از عبادت بیگانگان منعکس تلقی نموده و با اشاره به آیاتی از قرآن کریم همچون آیه «وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ» (اعراف: ۶۵) و «أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶) ابتدای آزادی بر توحید را نتیجه می‌گیرند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹)؛ همچنین معتقدند اصول اجتماعی نظام اسلامی اقتضای آزادی و ردع نظام‌های مبتنی بر زور و قلدری را دارد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۶/۳۱).

از نظر ایشان، یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های بنیادین آزادی در اسلام با آزادی در مکاتب اندیشه غربی، توحید محور بودن آزادی در اسلام و انسان‌محور بودن آزادی در غرب است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹).

از جمله آیات مرتبط با توحید و لوازم آن همچون رفض طواغیت و همچنین یکی از پرتکرارترین پردازش‌های قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با مقوله آزادی و مشتقات آن همچون آزادی سیاسی آیه ۱۵۷ سوره اعراف است: «... وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» که در این آیه خداوند متعال یکی صفات پیامبر اکرم (ص) و شریعت وی را رهایی انسان‌ها از استثمار طواغیت می‌داند. «اصر» در لغت به معنای ثقل و سنگینی و همچنین حبس و بند است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج. ۱: ۸۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج. ۳: ۲۰۸) همچنین به معنای ریسمان‌هایی ذکر شده است که پایه خیمه را به وسیله آن با میخ‌ها به زمین می‌کوبند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴/۰۹/۱۳۶۵)؛ اغلال نیز جمع مکسر غل به معنای طناب و یا بندی است که به گردن کسی می‌اندازند و او را بدین وسیله در حبس و محدودیت قرار می‌دهند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج. ۱: ۶۱۰؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق، ج. ۱: ۵۰۴) برخی از مفسرین منظور از ثقل و سنگینی بر گردن انسان‌ها را رفع تکالیف و احکام تشریعی سخت در امت‌های گذشته همچون یهود می‌دانند (سبزواری، ۱۴۱۹ ق، ج. ۱: ۱۷۵؛ دیوبندی، ۱۳۸۵، ج. ۲: ۴۲۷)؛ دینی که جمیع احکام و تکالیف شاقه‌ای ادیان دیگر که به دست احبار آن‌ها رخنه پیدا کرده بود نسخ کرده است، پس برداشتن تکالیف شاقه جعلی و غیر الهی، تنها در اسلام یافت می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج. ۸: ۳۶۱)؛ در نتیجه این مفسرین مستفاد از آیه را معرفی شریعت اسلام به‌عنوان آیینی سهل و متسامح قلمداد می‌کنند (طوسی، بی‌تا، ج. ۴: ۵۶۰؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ج. ۱۰: ۲۶۱) لکن تعمیق در آیه شریفه سبب می‌شود تا بتوان از این سطح از معنا گذر نمود. شریعت پیامبر اسلام موجب می‌شود تا مردم از تمام قید و بندهای مادی و معنوی و اخلاقی رهایی پیدا کنند همچون بت‌پرستی، خرافات و سنت‌های غلط در ابعاد مختلف حیات بشری، همچنین استبداد و حکومت‌های ظالمانه و استثمارگر که از سوی طواغیت و دیکتاتورهای اعمال می‌شود، همه در حکم غل‌ها و زنجیرهایی است که پیامبر اسلام درصدد است تا از دست و پای مردم بردارد (مدرسی، ۱۴۱۹ ق، ج. ۳: ۴۶۳) بی‌شک ذات مستکبرانه طاغوت که در طول تاریخ انسان‌ها را در اسارت اغلال گوناگون فرهنگی اقتصادی و سیاسی قرار داده و آزادی آن‌ها را در ساحت‌های مختلف سلب نموده است، سبب می‌شود تا نبی خاتم نه چون مدعیان دروغین رسالت که اهداف پلیدی همچون استثمار مردم را در سر می‌پروراندند، بلکه به‌عنوان مصلحی آزادی‌بخش، زنجیرهای جهالت و بردگی را پاره نموده و بارهای سنگینی را که سدّ



### ۳-۱-۳. مختار بودن انسان

مبنای دیگر برای مقوله آزادی سیاسی در قرآن کریم، معرفی انسان به عنوان موجودی دارای اختیار است. اختیار در جوهره انسان و در نهاد او سرشته شده است وی بدون این خصلت از مفهوم انسانیت تهی است. در قرآن کریم وجود مدالیل متعدد دال بر قدرت انتخاب و گزینش‌گری انسان، گواه اختیار انسان به عنوان یک مبنای کلان انسان‌شناسی است. خداوند در قرآن کریم چنین بیان می‌دارد که راه سعادت برای انسان واضح شده است حال اوست که با قدرت انتخاب خود شکرگذار بوده به و مسیر سعادت گام می‌نهد یا با کفران خود به سوی شقاوت حرکت می‌کند: «انا هدیناه السبیل اَما شاکرا و اَما کفوراً» (انسان: ۳) همچنین در مواردی دیگر صراحتاً از توانایی انسان برای انتخاب هر یک از ایمان یا کفر سخن به میان آمده است: «و قل الحقُّ من ربکم فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر» (کهف: ۲۹). قرآن کریم صراحتاً جبر و اکراه انسان در رفتارها و کنش‌های فردی و اجتماعی وی را انکار می‌کند و بر توانایی و آزادی او در فعل و ترک اعمال گوناگون صحنه می‌گذارد: «من یطع الرسول فقد اطاع الله و من تولیٰ فما ارسلناک علیهم حفیظاً» (نساء: ۸۰) در مقام پذیرش آرا و دیدگاه‌های گوناگون نیز انسان قدرت انتخاب‌گری و گزینش دارد و می‌تواند حسب خواست خود و بدون جبر و اکراه دیگران پذیرنده افکار گوناگون باشد: «فبشر عباد الذین یستمعون القولَ فیتبعون احسنه» (زمر: ۱۷ و ۱۸). قدرت اختیار و انتخاب به مثابه یک حق واضح در قرآن کریم برای انسان در نظر گرفته شده است؛ لذا هیچ انسانی نمی‌تواند اختیار دیگران را محدود نماید. از این باب است که مسئله اختیار به عنوان یک مبنای مهم برای آزادی سیاسی در نظر گرفته می‌شود.

### ۳-۲. مصادیق آزادی سیاسی در قرآن

#### ۳-۲-۱. آزادی عقیده و بیان

یکی از اساسی‌ترین نمودها و جلوه‌های آزادی سیاسی در هر اجتماعی حق آزادی اندیشه و بیان می‌باشد. ارتباط و پیوند آزادی بیان با آزادی اندیشه غیرقابل انکار است چنان‌که بدون شک از لوازم حتمی آزادی بیان، آزادی اندیشه است (سیدباقری، ۱۳۹۹: ۱۵۸). آزادی بیان امروزه به عنوان یکی از جلوه‌های آزادی‌های سیاسی و مدنی در بین اندیشوران جهان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. همچنان‌که از معنای لغوی بیان مستفاد است در آزادی بیان

نحوی از ابراز و اظهار عقیده و اندیشه و فکر وجود دارد که در قالب‌های گوناگونی همچون گفتار و نوشتار و تصویر می‌تواند انعکاس یابد. اهمیت این مسئله تا حدی است که برخی از اندیشوران سیاسی و حقوقی در مقوله امنیت نیز، یکی از موضوعات امنیت سیاسی افراد یا یکی از مراجع امنیت را حق به‌کارگیری و ابراز هر عقیده سیاسی قلمداد نموده‌اند (لکزایی، ۱۳۹۴: ۱۱۳). این مقوله از منظر نگرش قرآنی نیز قابل بررسی است. در قرآن کریم سخن از تعلیم بیان بعد از سخن از تعلیم قرآن و خلقت انسان به‌مثابه نعمتی ارزشمند برای انسان مطرح شده است: «الرحمن، علم القرآن، خلق الانسان، علمه اللبیب» (الرحمن: ۱ تا ۴). اقوال مختلفی در رابطه با مرجع ضمیر تعلیم بیان در بین مفسرین وجود دارد؛ برخی مصداق آن را حضرت آدم و برخی دیگر نبی مکرم اسلام (ص) می‌دانند (سبزواری، ۱۴۱۹ ق، ج. ۱: ۵۳۶) لکن در برخی دیگر از آثار دارنده این نعمت را جنس انسان (حقی برسوی، بی تا، ج. ۹: ۲۸۹) یا تمام افراد انسان دانسته‌اند (طوسی، بی تا، ج. ۹: ۶۳). ماهیت این نعمت نیز بیان مفسرین متفاوت است لکن آنچه می‌توان به‌عنوان قدر متیقن ادعا نمود، معنای نطق و کتابت (طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۹: ۲۹۹) و یا به عبارتی دیگر افهام غیر، از آنچه در نهان شخص نهفته است. (ابن‌ابی‌جامع عاملی، ۱۴۱۳ ق، ج. ۳: ۲۷۱). از دیگر مؤیدات قرآنی این مقوله مهم، عنایت خداوند به مسئله قلم و نوشتن است. «نون و القلم و مایسطرون» (قلم: ۱ تا ۳). اهمیت قلم و نگارش و به طریق اولی بیان، به حدی است که برخی آن را یکی از مهم‌ترین عناصر حیات جوامع انسانی قلمداد نموده‌اند (مغنیه، ۱۴۲۵ ق: ۷۰۸). با توجه به نظر برخی مفسرین که مراد از قلم را در این آیه مطلق قلم می‌دانند، می‌توان بر ارزش و اعتبار بیان صحه گذاشت (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج. ۱۹: ۳۶۷).

از دیگر آیاتی که می‌توان دلالتی از آن برای مشروعیت آزادی بیان یافت، آیه ۱۷ و ۱۸ سوره زمر می‌باشد: «فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» (زمر: ۱۷ و ۱۸). این آیه حکایت از یک فضیلت مهم و رکنی در حیات سیاسی و اجتماعی بشری دارد. شنیدن اقوال و آرا و نظرات گوناگون و انتخاب برترین و کارآمدترین آن‌ها در پرتو هدایت الهی نشان از تشویق بندگان به ابراز نظرات و دیدگاه‌های گوناگون دارد. حسب نظر برخی مفسرین واژه «القول» در این آیه شریفه مطلق هر سخن و کلامی است؛ فارغ از اینکه مفاد آنچه باشد یا قائل آنچه شخصیتی است. آنچه موضوعیت دارد شنیدن نظرات گوناگون و سنجش برترین آنان

است (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج. ۱۷: ۲۵۰). لذا از دیدگاه برخی اندیشوران این آیه نشانه آزاد اندیشی مسلمانان و انتخاب‌گری آنان تلقی شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج. ۱۹: ۴۱۲). به لحاظ ادله فقهی نیز می‌توان اصل اباحه را تا زمانی که دلیلی واضح و مشخص بر منع و حرمت یافت نشود به‌عنوان دلیل تشریحی آزادی بیان محسوب نمود. بدین معنا که آزادی بیان یک رفتار و عمل مباح بوده و تا زمانی که با حکمی دیگر در تراحم نباشد، این جواز و اباحه برقرار خواهد بود (حکمت نیا، ۱۳۹۹: ۱۶۹).

آیت‌الله خامنه‌ای مسئله آزادی بیان را تابعی از آزادی فکر و اندیشه می‌داند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸) و آن را نظر قطعی اسلام به‌عنوان حقی برای مردم تلقی می‌نماید (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۲/۰۴) و از نفاق و دورویی غرب در تحقق آزادی بیان انتقاد می‌کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۲/۰۴). آزادی بیان با رعایت حدود و ضوابط عامل رشد و تعالی فکری و معنوی جامعه خواهد شد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷). ایشان شاهد واضح وجود آزادی بیان در جامعه ایرانی را محتویات مطبوعات و رسانه‌های گوناگون در داخل کشور می‌داند که بی‌محابا در رابطه با بسیاری از مسائل انتقادات و اظهارات تنیدی را ابراز می‌دارند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۰۲/۱۳).

### ۳-۲-۲. قدرت انتخاب

مسئله قدرت انتخاب برای آحاد افراد جامعه یکی از جلوه‌های اساسی آزادی سیاسی است. این مسئله هم در بُعد انتخاب کردن و هم در بُعد انتخاب شدن تجلی می‌یابد. در این حالت شهروندان می‌توانند به‌صورت فعالانه در سرنوشت سیاسی خود شرکت نموده و افراد مورد نظر خود را در مناصب حاکمیتی جای دهند. همچنین حسب وجود این نوع از آزادی می‌توانند به جهت حضور در مناصب سیاسی و حکومتی خود را در معرض رأی و انتخاب دیگر شهروندان قرار دهند. ارتباطسنجی آزادی سیاسی با حکومت هم در رابطه با نوع حکومت مستقر در جامعه و هم در رابطه با استمرار این حکومت و ساختار مدیران و حاکمان آن قابل تعریف است. بدین معنا که شهروندان در مقام حدوث یک حکومت و تعیین حاکم آن حق دخالت دارند و هم در بقا و استمرار آن نقش ایفا خواهند نمود.

در قرآن کریم آیات گوناگونی در ذیل عناوینی خاص بر آزادی مردم در تعیین حکومت و سرنوشت خود تأکید دارد. برای نمونه در برخی از آیات قرآن، انسان در مقام خلیفه الهی قرار داده شده است: «انی جاعل فی الارض خلیفه» (بقره: ۳۰) «هو الذی جعلکم خلائف الارض» (اعراف: ۶۷) در رابطه با کیفیت استدلال به این آیات باید گفت جعل مقام خلافت برای انسان در زمین مبین این معنا است که آنچه برای خداوند ثابت است؛ مانند حق حاکمیت و اداره جامعه، برای انسان نیز مقرر شده است. لذا آنچه از این آیات مستفاد است اعطای حکمرانی و زمامداری به انسان است (صدر، ۱۴۳۴ ق، ج. ۵: ۱۲۷) آیات دیگری همچون «وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا...» (نور: ۵۵) و «نرید ان نمن علی الذین...» (قصص: ۵) سخن از قرارگرفتن انسان‌های مؤمن و صالح و یا مستضعفین در مسند حکمرانی زمین می‌گوید چرا که استخلاف آن‌ها در زمین بدون حکومت تحقق‌پذیر نیست. (منتظری، ۱۴۰۹ ق، ج. ۱: ۵۰۱) همچنین می‌توان از دلالت آیات ناهی استکبار و طواغیت نیز در محل نزاع استفاده نمود. بی‌شک تحمیل یک نوع ساختار حکومتی خاص، بدون در نظر داشتن رضایت مردم نوعی بی‌عدالتی و مصداق استکبار و طغیان منهی در قرآن و شریعت الهی است (سبحانی تبریزی، بی‌تا: ۱۷۰) و اصلاً تفاوت بنیادین حکومت الهی با غیر آن بر نظر مردم و رفض زور و اکراه است (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۸۳).

آیت‌الله خامنه‌ای نیز نظر شریعت اسلامی را بر اعتبار رأی و نظر مردم در انتخاب حاکمان می‌داند و معتقدند: فعلیت زمامداری و حکومت به بیعت مردم بوده (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۳/۲۲) و پایه اعمال مشروعیت حکومت تلقی می‌شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۰۳/۱۴). ایشان حق انتخاب زمامداران، سرپرستان نظام اسلامی و کارگزاران عمده آن و همچنین اختیار مردم در هدایت جامعه و تعیین سیاست‌های اصولی نظام اسلامی و همین‌طور برخی از فعالیت‌های عمده‌ی دیگر همچون انتشار مطبوعات را از مصادیق قطعی آزادی سیاسی قلمداد می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۴/۱۲).

### ۳-۲-۳. نظارت

آزادی انسان در مقام تعیین نوع حکومت و حاکمان مورد نظر وی به‌طور طبیعی اقتضا دارد در عرصه نظارت بر حاکمان نیز فعالانه عمل نموده و محدودیتی نداشته باشد. فقدان آزادی در

نظارت همان نقطه شروع استبداد است که شهروندان نتوانند اعمال صاحبان قدرت را تحلیل و بررسی و نقد کنند. بنا بر منطق قرآنی مردم در حکومت اسلامی نه تنها در انتقاد از حاکمان آزاد هستند بلکه در مواردی، بیان ایرادات و تلاش برای رفع مشکلات مربوط به متصدیان اجرایی از واجبات قطعی تلقی شده است. این مسئله در مواردی در ذیل عنوان نصیحت و در دیگر موارد تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر بیان شده است. نصیحت به معنای خیرخواهی در سیره و عمل انبیای عظام متجلی است. «ابلاغکم رسالات ربی و انا لکم ناصح امین» (اعراف: ۶۸) استعمال این واژه در سنت معصومین و روایات در قالب نصیحت ائمه معصومین حکایت از توجه به مسئله نظارت و ارزیابی حاکمان در اسلام دارد (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج. ۱: ۴۰۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج. ۲۷: ۶۷). عنوان امر به معروف و نهی از منکر نیز از دیگر مباحث پررنگ قرآنی است که بدین مطلب دلالت دارد. برخی از پژوهشگران امر به معروف و نهی از منکر را به مثابه اعتراض پس از مرحله نصیحت قلمداد می‌کنند (قاضی زاده، ۱۳۸۹: ۴۳۵) هرچند تحقق کمی و کیفی امر به معروف و نهی از منکر در گرو قدرت سیاسی و حکومتی و به تبع آن جعل و پیاده‌سازی احکام شریعت غراء است؛ چرا که بدون اقتدار سیاسی و قانونی، بسیاری از احکام الهی همچون حدود و قصاص و ... قابل اجرا نیست؛ لکن خود واجب امر به معروف و نهی از منکر به عنوان ابزاری مهم و کارآمد در مراقبت از افعال و کردار حاکمان در اجرای شریعت و خدمت به مردم، ضامن نفی اندیشه خطاناپذیری و خودبرتربنداری مسئولان بوده و به تمامی دانایان و خردمندان جامعه این فرصت را می‌دهد تا در فضایی آسوده و آرام به نقد قدرت، برنامه‌های سیاسی و تصمیم‌سازی‌های حکومت بپردازند. آیات مهمی در این زمینه دلالت در قرآن کریم بیان شده است (آل عمران: ۱۰۴ و ۱۱۰؛ حج: ۴۱).

آیت‌الله خامنه‌ای امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یک امر نظارتی یک وظیفه عمومی قلمداد می‌نمایند و آن را مسئولیتی نه صرفاً در بعد فردی بلکه در امور اجتماعی و حکومتی نیز تلقی نموده‌اند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴/۰۳/۱۴۰۰). از نظر ایشان مسئله امر به معروف و نهی از منکر به عنوان زیربنای کلیه حرکات اجتماعی اسلامی مطرح است؛ لذا از این جهت مبادرت همه آحاد جامعه نسبت به اجرای این حکم الهی توجیه‌پذیر است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴/۰۳/۱۳۹۴). ایشان فایده بزرگ نظارت تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر را

بقای نیکی و زیبایی به‌عنوان امور مستحسن در جامعه می‌دانند. همچنین حسب فرمایشات معصومین<sup>(ع)</sup> دیگر اثر مهم امر به معروف و نهی از منکر را در مقیاس امت اسلامی، دفع تسلط اشرار و زعمای سوء از بلاد اسلامی معرفی می‌نمایند. (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۰۹/۲۵).

### ۳-۲-۴. مشارکت در تصمیم‌گیری

مسئله مشورت و استفاده از خرد جمعی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها از مَصْرَحَاتِ قرآن کریم است. آیات شریفه «... و شاورهم فی الامر» (آل عمران: ۱۵۹) و «وامرهم شوری بینهم» (شوری: ۳۸) به‌خوبی دلالت بر پذیرش آزادی اظهار نظر در رابطه با مسائل حکمرانی جامعه دینی را دارد؛ خصوصاً آنکه شأن نزول این آیات نیز مؤید این دیدگاه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج. ۲۰: ۴۶۱). در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای نیز از این آیات در جهت مشروعیت و لزوم مشارکت رأی مردم در رابطه با امور حکمرانی مورد استناد قرار گرفته است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۰۳/۱۴). تأکیدهای فراوان ایشان مبنی بر ضرورت حضور مردم در انتخابات گوناگون به‌عنوان ساز و کار عقلایی فهم رأی و نظر مردم (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۰۱/۲۹) حاکی از اعتقاد عمیق ایشان به شرکت توده‌های مردم در مسائل حکمرانی در سطوح مختلف جامعه است؛ لذا ایشان فقدان مشارکت مردم و پشت‌کردن آن‌ها به صندوق‌های رأی را امری مصیبت‌بار می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۰۳/۱۷).

### ۳-۳. مرزهای آزادی سیاسی در قرآن

#### ۳-۳-۱. اضلال

یکی از عناصر مهم در مسئله آزادی سیاسی در قرآن کریم، رعایت ضوابط و چهارچوب‌های شریعت می‌باشد؛ چرا که خداوند به‌عنوان مالک و مربی انسان حسب مصالح واقعی فرد و جامعه در رابطه با آزادی‌های اجتماعی و سیاسی محدودیت‌هایی را وضع نموده است. یکی از این محدودیت‌ها که به‌عنوان ضابطه‌ای مهم در کارآمدی این سنخ از آزادی‌ها اثرگذار است، ممنوعیت اضلال و گمراهی و تحریف است. بدین معنا که انتشار نظراتی که سبب اضمحلال اندیشه دینی و توحیدی در آحاد جامعه می‌شود، محظور است. در این رابطه می‌توان به آیاتی همچون «و من اظلم ممن افتری علی الله کذبا لیضل الناس بغير علم» (انعام: ۹۳) و «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (لقمان: ۳۱) نیز استدلال نمود (قدردان قراملکی،

۱۳۸۲: ۱۷۵). البته این بدین معنا نیست که در مجامع علمی نقد و بررسی تفکر دینی ممنوع است چرا که اندیشمندان غیرمسلمان نیز برای طرح نظرات خود در فضاهای علمی دارای سعه و آزادی هستند اما جریان‌سازی‌های گوناگون و تبلیغ و نشر افکار الحادی و ضد دینی به بهانه آزادی سیاسی نمی‌تواند وجهی از جواز داشته باشد. همچنین مسئله تحریف نیز در همین عرصه قابل بررسی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۲/۱۸).

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این نکته مهم بر استثنای اظهارات اغواگرانه به بهانه آزادی تأکید می‌ورزند. از نظر ایشان لزوماً هر مطلب باطلی نمی‌تواند ایجاد اضلال نماید؛ چه بسا که بسیاری از مطالب باطل برای اهل علم نیز مفید باشند؛ لکن به هر حال نکته اغوا و اضلال ملاکی برای محدودیت آزادی سیاسی است.

هر بیان عقیده‌ای آزاد است، مگر بیان اغواگر و گمراه‌کننده. بیان اغواگر و گمراه‌کننده و به تعبیر رایج ضال یا مضل، کتب مضله یا کتب ضاله، این غیر از بیان باطل و خلاف حق است. گاهی یک مطلبی خلاف حق است، باطل است، اما گمراه‌کننده نیست، کسی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. مثل مطالب باطل در حوزه‌های علمی، در میان دانشمندان، برای اهل فن و خبرگان، کتاب گمراه‌کننده‌ای که اگر دست یک آدم کم‌سواد بیفتد، او را اغوا خواهد کرد، برای یک دانشمند وسیله‌ی کار است؛ نه فقط اغواکننده نیست، بلکه از او نظر دشمن را به دست می‌آورد و علیه او فکر می‌کند و اندیشه و بیان ابراز می‌کند؛ پس مضر که نیست، مفید هم هست. گاهی در یک جامعه‌ای یک سخن به خاطر سطح بالای افکار مردم گمراه‌کننده نیست؛ حرفی است که اگر گفته بشود، کسی را گمراه نخواهد کرد، ولو باطل است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۲/۱۸).

### ۳-۲-۳. تشنج عمومی در جامعه

از دیگر ضوابط مهم در مسئله آزادی‌های سیاسی ممنوعیت ایجاد تشنج عمومی در میان مردم است. انتشار نظرات و مواضع سیاسی فتنه‌انگیزانه و ایجاد اضطراب و التهاب در توده مردم امری است که در قرآن کریم به شدت از آن نهی شده است. قرآن کریم در سوره احزاب آیه‌ی ۶۰ می‌فرماید: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ». ارجاف به معنای دروغ‌پراکنی و نشر اخبار واهی با هدف ایجاد فتنه است.

مسئله ارجاف به‌عنوان یک جرم سیاسی شناخته شده و بنا بر فتوای فقهای شیعه عملی محرم تلقی می‌شود (شاهرودی، ۱۴۲۳ ق، ج. ۹: ۴۲۹) لذا قرآن کریم پدیده ارجاف را به‌عنوان یکی از مرزها و محدودیت‌های موجود در زمینه آزادی‌های سیاسی مطرح می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای نیز با اشاره به این آیه، مرجوفون را در ردیف منافقان و بیماردلان به‌عنوان کسانی قلمداد می‌کند که در جامعه اسلامی روحیه مردم را تضعیف نموده و سبب ناامیدی و ترس می‌شوند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۲/۱۸). مسئله تشنج‌آفرینی و ایجاد نابسامانی روانی در بین توده‌های مردم حتی در جامعه کوچک مدینه‌النبی نیز جرم بزرگ و غیرقابل گذشت تلقی شده است. با این توصیف به طریق اولویت قبح این سنخ اقدامات در جوامع پیچیده فعلی آكد و اشد است. (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۲/۱۸). مسئله شایعه‌پراکنی نیز از همین دست موارد است. قضیه افک (تهمت) در رابطه با یکی از همسران پیامبر و امتدادات اجتماعی آن در بستر جامعه و بالتبع واکنش قرآن کریم نیز ناظر بر همین مطلب است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۰۷/۲۸)

### ۳-۳-۳. افشای اسرار مملکتی

از دیگر مصادیق محدودیت‌های آزادی‌های اجتماعی سیاسی ممنوعیت اظهاراتی است که مستقیم یا غیرمستقیم سبب افشای اسرار مهم حکومتی یا نظامی خواهد شد. آیت‌الله خامنه‌ای با عنایت به آیه ۸۳ سوره نساء به یکی از مرزهای آزادی در بستر جامعه دینی اشاره می‌کنند. از نظر ایشان افشای اخبار مثبت یا منفی از جبهه‌های جنگ یا حوادث امنیتی بدون مصلحت‌سنجی‌های لازم سبب ایجاد مفاسد و آفاتی در جامعه خواهد شد. وی با اشاره به افرادی که این سنخ اقدامات را انجام می‌دهند به حکم قرآنی این عمل می‌پردازند: «خصوصیت این آدم‌های ناباب به حسب این آیه و آیات این است که اگر از امن یا خوف، به هر حال اسرار مملکتی، چه اسراری که برای مردم در جای خود خبر خوش ممکن است به حساب بیاید، چه اسراری که برای مردم خبر ناخوش ممکن است به حساب بیاید، گیرشان بیاید، بدون هیچ ملاحظه‌ای، بدون رعایت هیچ‌گونه مصلحتی، می‌آیند این خبر را در مقابل مردم افشا می‌کنند، که به حسب این آیه و در شرع مقدس، این مذموم و ممنوع است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۰۲/۱۸).

### ۳-۳-۴. رعایت حریم خصوصی

کنشگری‌های سیاسی در عرصه اجتماع با بهره‌گیری از آزادی‌های سیاسی شرعی، مجوزی برای دخالت در حریم خصوصی افراد و زندگی‌های شخصی آن‌ها نیست. بی‌شک اطلاق مستفاد از آیه شریفه «و لا تجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضاً» (حجرات: ۱۲) نهی از غیبت و تجسس‌های بی مورد را در حیطه‌های فردی محدود نکرده و در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی نیز جریان می‌دهد. لذا از مدلول این آیه و آیاتی همچون «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین امنوا...» چنین استفاده می‌شود که آزادی سیاسی نمی‌تواند مستمسکی برای افشاگری‌های مربوط به زندگی شخصی و خصوصی افراد شود.

### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که مسئله آزادی سیاسی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان قدرت نقش‌آفرینی آحاد مردم در حدوث و بقای نظام و ساختار سیاسی حکومت و همچنین نفی انحصار قشر یا نژاد خاص در فرایند تحقق و استمرار آن شناخته می‌شود. آزادی سیاسی در قرآن کریم مبتنی بر اصل توحید، اراده و اختیار انسان و همچنین کرامت و ارزش ذاتی وی بازشناخته می‌شود. مصادیق مهمی همچون حق انتخاب و نظارت، آزادی بیان و بسترسازی زمینه‌های مشارکت مردمی در امر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از متون دینی قابل اصطیاد و استنباط هستند. همچنین مسئله آزادی سیاسی همچون هرنوع دیگر از آزادی‌ها، مقید به قیود و در چهارچوب ضوابطی قابل تحقق است؛ لذا آفاتی همچون اضلال، ایجاد تشنج عمومی، افشای اسرار محرمانه حکومتی و مداخله در حریم خصوصی در اندیشه قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای به‌شدت مرفوض است.

## فهرست منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن ابی جامع عاملی، علی بن حسین (۱۴۱۳). *الوجیز فی تفسیر القرآن الکریم*، قم، دارالقرآن الکریم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، بیروت، دارالصدر.
- آقابخشی، علی (۱۳۷۵). *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- برلین، آیزایا (۱۳۸۰). *چهار مقاله درباره آزادی*، محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی.
- بهشتی، سید محمدحسین (۱۳۸۰). *نقش آزادی در تربیت کوکان*، تهران، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله بهشتی.
- بهشتی، سید محمدحسین (۱۳۸۱). *آزادی هرج و مرج و زورمداری*، تهران، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله بهشتی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴). *ولایت فقیه ولایت فقاهت و عدالت*، قم، مرکز نشر اسراء.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی تا). *تفسیر روح البیان*، بیروت، دارالفکر.
- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۹). *آزاداندیشی و آزادی بیان*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶). *طرح کلی اندیشه اسلامی*، قم، صهبا.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶). *تفسیر سوره براءت*، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
- دیوبندی، محمودحسن (۱۳۸۵). *تفسیر کابلی*، تهران، احسان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۳). *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت، دارالقلم.
- سبحانی تبریزی، جعفر (بی تا). *مبانی حکومت اسلامی*، قم، موسسه امام صادق (ع).
- سبزواری، محمد (۱۴۱۹). *ارشادالاذهان فی تفسیرالقرآن*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.

- شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۳). *موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (ع)*، قم، دائره المعارف فقه اسلامي.
- صدر، محمداقبر (۱۴۳۴). *مجموعه آثار شهيد صدر*، قم، دارالصدر.
- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۸). *آزادی های عمومی و حقوق بشر*، تهران، دانشگاه تهران.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو، سوم
- طریحی، فخرالدین محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، سوم
- طوسی، محمدحسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء تراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). *کتاب العین*، قم، هجرت، دوم
- فضل الله، محمدحسین (۱۴۱۹). *من وحی القرآن*، بیروت، درالملك.
- قاضی زاده، کاظم (۱۳۸۹). *سیاست و حکومت در قرآن*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۸۲). *آزادی در فقه و حدود آن*، قم، بوستان کتاب.
- کرنسون، موریس (۱۳۸۶). *تحلیلی نوین از آزادی*، امیرجلال الدین اعلم، تهران، امیرکبیر.
- لکزایی، نجف (۱۳۹۴). *امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه*، مجله حقوق اسلامی، شماره ۴۴.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). *نگاهی گذرا به حقوق بشر*، قم، موسسه پژوهشی آموزشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی (۱۴۰۰). *آزادی معنوی*، قم: صدرا.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۵). *التفسیر المبین*، قم: دارالکتب الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- میل، جان استورات (۱۳۶۳). *درباره آزادی*، ترجمه محمد جواد شیخ الاسلامی، تهران، مرکز انتشارات علمی فرهنگی.

- نائینی، محمدحسین (۱۳۸۷). *تنبيه الامه و تنزيه المله، روح‌الله حسینیان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.*
- هابز، توماس (۱۳۸۹). *لویاتان، تهران: نی.*
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۷). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: میزان.*
- هیوود، اندرو (۱۴۰۰). *سیاست، عبدالرحمن عالم، تهران، نشر نی.*
- Berlin, Isaiah, 1969, *Four essays on liberty*, London, oxford university press